

# میدان آزمایش برای شهر نشینی

برلن

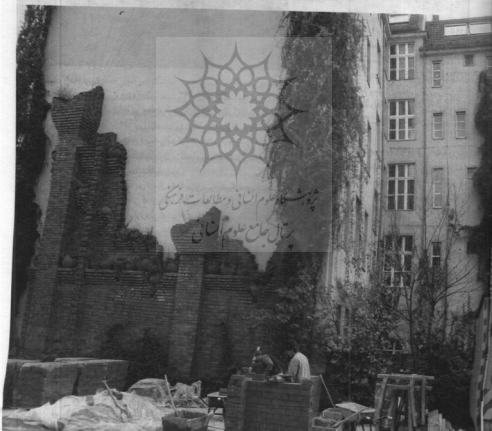
نوشته هارت - والتر همر

گوشه خیابان پینید زیرا در کرویتسبرگ هر سال در روز اول ماه مه معمولاً چیزی آتش می‌گیرد و اگر سوپر مارکت نباشد دست کم یکی دو تا ماشین خواهد بود. دربارهٔ سنت ترسناک مترجمتها و دعوای خیابانی هم خواهید شنید.

داستان کرویتسبرگ پیش از هر چیز و در نهایت، داستان کتسکتها و سنزهایی است که از دگرگونی اجتماعی در جامعه ما برمی‌خیزند. در این محله، افراط و تفریط با هم برخورد دارند و هرچ و هرچ شهری در اوج است. در شهری که مدام در تلاش آموختن رموز همزیستی مسالمت‌آمیز است، کرویتسبرگ برای چند نسل میدان آزمایش برنامه‌های مربوط به توسعه شهری بوده است.

اگر می‌خواهید برلن را بشناسید باید سری به محله کرویتسبرگ بزنید. در محیط پسر جمعیت شهری کرویتسبرگ ترکیب گوناگونی از سبکهای معماری را می‌بینید ساختمانهای مدرن کنار خانه‌های اجاره‌ای کهنه قد برافراشته‌اند. در بلوکهای آپارتمانی بنازگی مرمت شده، گارگاههایی در طبقات بالاتر و آلودگیهای در حیاطها قرار دارند. در خیابانها، میدانها و فضاهای باز محدود، کرویتسبرگی‌های اصیل پسا سانگ‌ها و ترسکهای سر بندپوش که گویی در آناتولی هستند و چهره‌های شهری برنسی در کنار هم به چشم می‌خورند. سنگ فراوان است، و بیشتر از آن تعداد نوجوانهاست. کرویتسبرگ بیش از هر جای در اروپا باید بچه‌ها را اسکان دهد. ممکن است سوپر مارکت سوخته‌ای هم در

مجموعه‌ای از گروه هنرمندان  
دئونورل، در آد میرال اشتراسه  
برلن، ۱۹۸۵.





ساختمانی که در ۱۹۸۲ نزدیک کاتال لندور برلن ساخته شد.

سرانجام شرایط آن قدر بد شد که نه فقط بر علیه مقامات شهر، که بر علیه تمام فرایند توسعه‌ای که محله پست فقیرترین را به وجود آورده بود فریاد اعتراض بلند شد. معامله کردن اسلاک کاری بدنام شد و مفهوم بافشهر لته دوباره زنده شد. خانه‌های مدرن دهه ۱۹۲۰ واکنشی بود به نکت اجتماعی برلن سنگی قدیمی.

## نتایج جنگ

در مدت جنگ جهانی دوم تقریباً یک چهارم شهر نابود شد. در حول و حوش وزارتخانه‌ها و ریترانتراسه که محل کارخانه‌های اسلحه‌سازی بود، از خیابانها فقط خرابه‌هایی مانده بود. اما منطقه کاریگری؛ از جمله کروئیسبرگ، بین رود اسپیری و کاتال لندور نسبتاً از آسیب دور ماند.

چند سال بعد، در ۱۹۶۱، جنگ‌سرد به ساخته شدن دیوار برلن انجامید که شهر را از شمال به جنوب دو تکه کرد و کروئیسبرگ را از مرکز شهر قدیم و تفریحگاههای قدیمی مانند پارک توپو که در بخش شرقی شهر قرار داشتند جدا کرد. کروئیسبرگ که زمانی محله مرکزی شهر بود به بن‌بست حاشیه‌ای تبدیل شد.

با این‌همه، خسارت ناشی از جنگ و دیوار برلن در مقایسه با خسارت ناشی از برنامه‌های توسعه مجدد شهر بین دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۷۰ رنگ می‌بازد. یک مسابقه بزرگ برنامه‌ریزی شهری به نام برلن، شهر بابتخت که در ۱۹۵۷ برگزار شد. اندیشه ایجاد یک شبکه عظیم راه‌های ماشین‌رو را مطرح کرد. یک جاده گریندی چهار بانده باید به مرکزی تجاری سروس می‌داد و بزرگره‌هایی با پلهای چند راعه سوار بر هم که جای چهار راه‌ها را می‌گرفت بخش مسکونی را از بخشهای تجاری جدا می‌کردند.

مسئله این بود که بافت موجود باید به هم ریخت تا رؤیای برنامه‌ریزان جامعه عمل بپوشد. در مدت پیش از دو دهه در تمام خیابانها کار سلب مالکیت و تخریب انجام شد. ساختمانهایی که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ساخته شدند هنوز گواه خسارات وارد شده هستند. نوسازی شهری برای آنهايي که از آن صدمه دیدند مترادف با ویرانی بود.

## شورش کروئیسبرگ

ساکنان کروئیسبرگ بکجا به بلوکهای آپارتمانی جدید انتقال داده شدند. اما آپارتمانهایی که آنها تخلیه کردند هنوز تخریب نشده بر از کارگران مهاجر و اجاره‌نشینهایی شد که به دلیل اجرای برنامه توسعه در جیای دیگری از شهر از خانه‌های قبلی‌شان بیرون رانده شده بودند. تخلیه‌های اجباری در زمانی که حدود ۸۰۰۰۰ نفر نیاز فوری به خانه داشتند هزارها آپارتمان را خالی گذاشتند. بعضی با اشغال ساختمانهای خالی و اسباب‌کشی مجدد به آنجا کار را تمام کردند. زسرا شرکت‌های صاحب ساختمانها دیگر از آنها نگهداری نمی‌کردند.

## شهر سبز لته

سابقه این محله به طرحی بازمی‌گردد که پیترو زوف لته معمار در ۱۸۲۱ آنرا ارائه داده بود. این طرح که مربوط به یک باشهر ایدآل می‌شد کمی پس از انقلاب ناشی از به میدان آمدن راه‌آهن مطرح شده بود. در پروژه لته ایسن محله قسراز بسوده زودیش لوئیزنشانت نامیده شود.

اما پس از سال ۱۸۵۰ برلن برای اسکان دادن به سازه واردهایی که از ولایات به آنجا هجوم می‌آوردند، در آن سوی حلقه پولوارهایی که شهر قدیم را احاطه می‌کرد گسترش یافت. نخستین گسترش چنان سریع بود که در زمان کوتاهی هر باغها و حیاطهای بلوکهای آپارتمانی، خانه ساخته شد. این زمانی بود که میتر کارزین (اتانگهای اجاره‌ای کارگری) به وجود آمد. این اتانهای اجاره‌ای دارای حیاطهای کوچک، در هنگام کسبمرد مسکن محبوب معاملات ملکی‌ها بود.

توده‌هایی که گروه به گروه به شهر سرازیر می‌شدند در این خانه‌های بسیار کوچک که اغلب کارگاه صنایع خانگی هم بود ایستاده می‌شدند. بعد، صنایع تولیدی وارد میدان شد و کارخانه‌ها کنار خانه‌های اجاره‌ای ساخته شدند. محله‌ای که در ذهن لته با خیابانهای پهن، کاناها، گردشگاهها و باغهای طرحی چلیپایی داشت اکنون از ساختمان و جمعیت بیش از حد اشباع شده و به یک محله پست فقیرترین تبدیل شده بود.

هارتسوالتز هر معمار آلمانی، نایب رئیس آکادمی علوم برلن، به دنبال تشکیل اینفرتاسیو ناله بسا توسعه ترنگ، نمایشگاه معماری ۱۹۷۸ برلن، از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ سرپرست نوسازی شهری بود. از او چند کتاب منتشر شده است. به‌ویژه در زمینه ساختمان سازی ناسر و نوسازی شهری.



نارآرامی و خشم رو به فرونی آنها که حق مالکیت قانونی داشتند و آنها که به این دسته حمله می کردند، تصمیم گرفتند توسعه شهر را به عقب اندازند.

نمایشگاه بین المللی معماری سال ۱۹۷۸، اینترناتسیناله پاتوشته لوگ (IBA)، فرصتی بود برای مسکن‌نویس کردن دوباره مرکز شهر. برای بازسازی محله‌هایی که از زمان جنگ متروک مانده بودند شرکتی تأسیس شد. نتیجه دیگر این نمایشگاه تعمیر و اصلاح ناحیه بین اسپری، کانال لندور و کانال قدیمی لوئیزنتشات بود. یعنی همان محله‌ای که بر علیه برنامه اولیه توسعه شهر فریاد اعتراض برآورده بود.

جنبش اشغالگران سرختر از آن بود که پلیس بتواند آنرا کنترل کند. تا ماه مه ۱۹۸۱، در برلین ۱۶۸ ساختمان به اشغال غیرقانونی درآمد که ۸۶ ساختمان آن در کسرویشبرگ بود. ساکنان جدید زیر تهدید دائمی تخلیه و تخریب زندگی می‌کردند. اما از پشتیبانی‌های مردمی نیز برخوردار بودند. تظاهرات در حمایت از آنها تسویه هزاران نفر از مردم را جلب کرد. سیاستمداران به این ترتیب با تصایح تصمیم‌های برنامه‌ریزی خود روبرو شدند.

افزایش هزینه‌های ساختمان‌سازی و کاهش کمک هزینه‌های مسکن، همراه با مقاومت مردمی، سرانجام در حدود سال ۱۹۷۸ برنامه نوسازی را فلق کرد. مقامات شهرداری در رویدارویی با

بالا، سردی در کسرویشبرگ آراسته به پیچک‌هایی از سرامیک، اثر حتفی پتر، هنرمند ترک. پایین، نمای دیوار یک بلوک آپارتمانی در آمیرال اشتراسه، نقاشی شده در ۸۶ - ۱۹۸۵.

## اشتباهی تازه

شورای شهر طرح یک برنامه عملی را ریخت. طبق این برنامه، ۱۶۰۰ خانه جدید ساخته و ۱۵۰۰ خانه موجود در مرکز منطقه توسعه مجدد کسرویشبرگ در دو سوی مازین اشتراسه سرعت می‌شد. این برنامه بر پیش از ۱۲۰۰۰ نفر و چند صد کسب اثر می‌گذاشت. زیرا از خانه‌ها و محله‌های کسب آنها سلب مالکیت و در ۸۰ درصد موارد تخریب می‌شد.

در طی زمان ۱۹۷۹، ساکنان کسرویشبرگ شکایت کردند که باد و برف از شکاف‌های سقفها، درها و پنجره‌هایشان به داخل خانه می‌آید. ساختن آنها به تعمیر فوری نیاز داشتند. اما مقامات در شرایطی نبودند که تعمیرات را انجام دهند و شرکت‌های مسلح می‌خواستند، علی‌رغم خشم ساکنان، کار را تا سال بعد به تعویق اندازند. ساکنان، در یک گروه‌هایی عمومی، تصمیم گرفتند



تعطیلات آخر هفته خود را به سرمت چهارخانه در مسانتوفل  
اشرافه که تقریباً از سکنه خالی شده و منتظر تخریب بسود  
اختصاص دهند. این خانه‌ها که امروز هنوز برپا هستند، اکنون در  
مالکیت اینشانسترونگ - ساکنان تعمیرکار است و تشکیلات  
تعاونی دارد.

برای ساکنان کروینسبرگ، تجربه با هم کار کردن در سرما و  
رطوبت بسیار چیزها را در گروگون کرد. دیگر حاضر نبودند قانون  
خانه را از آنها پس بگیرد و می‌خواستند در تمام تصمیم‌گیری‌هایی  
که بر محله آنها تأثیر می‌گذاشت دخالت کنند. نمایندگان آنها  
فهرستی از درخواستها و شکایتهایشان را برای طرح در  
IIBA تهیه کردند.

بر خورد مقامات نسبت به درخواست شرکت آنها در جلسات  
ابتدا خصومت‌آمیز بود. ترس از این بود که برنامه توسعه مجدد در  
بعضی‌ها پایان‌ناپذیر متوقف شود. با اینکه درخواستهای  
غیرمنطقی هزینه اجرای آن را بیش از حد بالا برد.

برای تعدیل مخالفت آنها، ساکنان با کمک متخصصانی از  
روتردام، هامبورگ و وین فهرستی از اصول راهنمای «نوسازی  
منطقه» تهیه کردند. البته، تلاش ساکنان تعمیرکار بسود که  
سرانجامی به این کار داد. با اینکه برخی برلنی‌ها به آنها حق  
می‌دادند که قانون را در دست خودشان بگیرند، بیشتر برلنی‌ها  
کار آنها را غیر قابل تحمل می‌دانستند. به دنبال یک رشته جنجال  
تأمین مسکن، مسئله حل‌ناشده نوسازی شهری یک سال پیش از  
زمان انتخابات موجب سقوط دولت شد. سرانجام، سیافن  
راه‌حل‌های واقع‌گرایانه به شکل یک الزام درآمد.

البته اصول راهنمای ساکنان تا سال ۱۹۸۳ رسماً مورد تأیید  
قرار نگرفت. این اصول راهنما تأکید می‌کرد که برنامه‌های  
توسعه مجدد باید با مشورت مردمی که مستقیماً تحت تأثیرات  
ناشی از انجام این برنامه‌ها قرار می‌گیرند طرح شوند و نقطه  
نظرهای آنها هنگام تصمیم‌گیری به حساب آورده شود. ساکنان  
یک ساختمان باید برای انجام هر کاری که روی ساختمان انجام  
می‌شود حق رأی داشته باشند. اختلافات نیز می‌بایست به  
کیسیون توسعه مجدد یا کمیته محلی ارجاع می‌شد.

گرچه مقامات هنوز رسماً این برنامه را نپذیرفته‌اند، برنامه  
ارزش خود را در بسیاری از موارد ثابت کرده است. به هر حال،  
نتایج به دست آمده مهر سکوت بر لب منتقدان زده است. توافق  
افراد ذینفع در مسائلی نظیر نگهداری خانه یا تخلیه موقت برای  
انجام تعمیرات، عملاً موجب پیشرفت سریع‌تر شده است. در  
مورد هزینه عملیات، تطبیق اقدامهای نوسازی با خواسته‌ها و  
امکانات مالی ساکنان، هم از طریق کاهش هزینه‌های ساختمان  
سازی و هم از طریق جلوگیری از بالا رفتن اجاره‌بها - و در نتیجه  
جلوگیری از بالا رفتن کمک‌های هزینه اجاره‌بها - سبب  
صرفه‌جویی مالی شده است. طبق برآورد، در مقایسه با برنامه  
۱۹۷۸، هزینه این توسعه مجدد از لحاظ کمک هزینه‌های  
عمومی، تأخیری در نتیجه روش مورد رضایت عموم، ۵۸ درصد  
کتر بوده است.

در حقیقت برنامه ۱۹۷۸ عمیقاً دگرگون شده است. به  
جای ۱۶۰۰ خانه تعیین شده فقط ۳۶۰ خانه جدید ساخته  
شده است، اما ۷۰۰ خانه و نه ۱۵۰۰ خانه، مرمت شده‌اند.  
قرار است ده مدرسه توسعه و بهبود یابند، و ۲۴ شیرخوارگاه  
و مهدکودک برای پذیرایی از ۱۶۴۰ کودک ایجاد شوند.  
حیاطهای ۳۲۰ ساختمان به پارکهای کوچک یا - با موافقت  
ساکنان - به باغهای خصوصی تبدیل شده‌اند. خیابانها و  
میدانها در بیش از ۱۷۰ محل تعمیرات شده‌اند و امکانات  
بسیار برای فرهنگ، ورزش و افراد جوان تأمین شده است.  
در کروینسبرگ هنوز آلودگی و کثافت هست، اما کار  
کردن با قربانیان این آلودگی و کثافت، ۷۳۶۰ خانه اجاره‌ای  
پاکیزه ارائه داده و همواره، شیرخوارگاه و مهدکودک و  
محیط زیست را بهبود داده است. تخریب متوقف شده و  
شرایط زندگی قابل تحمل‌تر شده است. اکنون هر که درگیر  
کار است می‌داند که می‌توان یک شهر را نجات داد، حتی اگر  
بسیار خراب شده باشد.

ترجمه امید اقداری

منظره هوایی ویلا مار یا بل  
تریونفو، حومه کارگری جنوب  
لیما (پرو).

مزرعه کودکان کنار دیوار برین، محله کروینسبرگ

